



بازشناسی و تحلیل برایند روایت و پادروایت درون مذهبی شیعی از کربلا

حمید نگارش*، اسدالله کرد فیروزجایی**

چکیده

شیعه دوازده امامی، مکتب مذهبی اهل بیت علیهم‌السلام است که همیشه بر تعامل سازنده با سایر مذاهب غیرخصلمانه اسلامی تأکید دارد و هرگز علیه ظلم و در دفاع از مظلوم ساکت نخواهد ماند. اوج این عقیده در روایت کربلا متجلی شده است. در مقابل این تفکر جریان پادروایت از کربلا وجود دارد. بنابراین، تحلیل برایند جریان روایت و پادروایت کربلا از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو، این سؤال مطرح می‌شود که عوامل شکل‌گیری و اهداف جریان ضد روایت از کربلا چیست و راه‌های پیروزی در جنگ روایات کدام‌اند؟ یافته‌های این تحقیق که با استفاده از روش سند پژوهی استخراج شده حاکی از آن است که ضعف معرفتی و سیاسی از عوامل ایجاد این جریان است. راهکار پیشنهادی این تحقیق برای حل این مسئله، معرفت‌افزایی نسبت به جریان پادروایت، شیعه واقعی و جایگاه مرجعیت است. **واژه‌های کلیدی:** شیعه، روایت، پادروایت، جریان ضد روایت، کربلا، روایت کربلا.

* دانشیار پژوهشگاه امام صادق علیه‌السلام، (نویسنده مسئول)، Email: hamid_negarash@yahoo.com

** استادیار پژوهشگاه امام صادق علیه‌السلام، Email: akf474@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۵

مقدمه

شیعه دوازده امامی (اثنی عشری) مذهبی است که به حق وامدار و تربیت شده مکتب و مدرسه اهل بیت علیهم السلام است. به همین دلیل، از مهم‌ترین شعائر این مذهب، پیروی از اهل بیت علیهم السلام و عمل به فرمان آنها است. شرح حال اهل بیت علیهم السلام نیز نشان می‌دهد که آنها در عقلا نیت، جذابیت و تعامل سازنده با دیگر مذاهب مخالف اسلامی و مبارزه با ظلم پیش قدم و الگو بودند. این نگره را با مراجعه به روایت کربلا و حکایتگری صحیح از آن واقعه می‌توان دریافت؛ زیرا شیعه واقعی با روایت کربلا هرگز با ظالم سازش نمی‌کند و با ظلم سازگاری نداشته و نخواهد داشت. اساساً ثقل نهضت امام خمینی علیه السلام حرکت و قیام عاشورایی او علیه استبداد و استعمار نیز براساس همین روایت از کربلا بود. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» روایتی بود که به یک گفتمان علیه رژیم طاغوت تبدیل شده بود. در واقع روایت حضرت امام علیه السلام و شاگردان او از واقعه کربلا، قیام علیه ظلم و تحقق اسلام ناب و تشکیل حکومت اسلامی بود (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۳). از این رو، طبیعی است که شیعیان واقعی نیز واجد این صفات باشند و گام به گام در مسیر اهل بیت علیهم السلام و اهداف امام حسین علیه السلام قدم بردارند. اما جریان‌هایی با تأثیرپذیری از بیرون مذهب شیعه توانسته‌اند سناریویی را در مقابل روایت کربلا که امام خمینی علیه السلام براساس آن علیه ظلم قیام کرده است، ارائه دهند که می‌توان آن را ضدروایت تلقی کرد. البته تقابل و ضدیت با روایت واقعی از کربلا از فردای واقعه کربلا آغاز شد. روایت‌های دستگاه‌های اموی و سپس عباسی در برابر بازماندگان کربلا و ائمه اطهار علیهم السلام و پیروان آنها را می‌توان نقطه آغازین جنگ روایت‌ها دانست.

ضدروایت قبل از انقلاب اسلامی با پس از آن تفاوت ماهوی دارد. قبل از انقلاب اسلامی پادروایت‌ها برای پیشگیری و سرکوب روایت پردازی مبارزان از کربلا علیه استبداد و استعمار بود، اما پس از انقلاب جریانی از بیرون مرزها و داخل شکل گرفت که پادروایت (ضدروایت) را علیه روایت مستقر در جمهوری اسلامی تولید می‌کنند. در قضیه کربلا، امام حسین علیه السلام در مقابل یزید به عنوان حاکمی ظالم ایستاد و مظلومانه به شهادت رسید. امام خمینی علیه السلام از روایت کربلا به عنوان الگو استفاده کرد و در مقابل شاه ظالم ایستاد و

دستگاه او را سرنگون کرد. جریان ضدروایت، در صدد است از روایت کربلا علیه محصول روایت کربلا که نظام جمهوری اسلامی است، کمک بگیرد و خواسته یا ناخواسته با آن مبارزه کند. در واقع جریان ضدروایت یکی از راه‌های مؤثر برای به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی ایران و براندازی آن را استفاده از پادروایت کربلا، علیه محصول و برآیند روایت کربلا می‌داند. یکی از افرادی که معتقد است برای موفقیت در برابر حکومت ایران باید روایت کربلا را برای نظام ایران به یک ضدروایت تبدیل کرد، جفری هالورسون^۱، استادیار گروه فلسفه و مطالعات مذهبی در دانشگاه کارولینای جنوبی آمریکا است (Halverson, 2010:2). البته ایده روایتگری تقابلی از روایت کربلا، علیه جمهوری اسلامی ایران با سناریوهای مختلفی دنبال شده است.

با این وصف، اگرچه ایده تبدیل روایت کربلا به پادروایتی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اهداف مشخصی دارد، اما مسئله اصلی این پژوهش، چرایی شکل‌گیری پادروایت‌های نوین از روایت کربلا است. از این رو، پرسش این است که چه عوامل و بسترهایی در پیدایش این ایده نقش دارند؟ پرسش‌های فرعی توضیح دهنده مسئله اصلی این است که چه جریان‌هایی به عنوان بازیگران ایده فوق نقش اجرایی تبدیل‌سازی را ایفا می‌کنند؟ عوامل و زمینه‌های معرفتی روی آوری به ایده مزبور کدام‌اند؟ عوامل و زمینه‌های سیاسی شکل‌گیری ضدروایت کربلا چیست؟

در این پژوهش، از روش سند پژوهی یا تحلیل اسنادی استفاده شده است. روش اسنادی، روشی کیفی است که بر مطالعه نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی مبتنی است. اگرچه محور آن جستجوی توصیفی و تفسیری است، اما می‌توان با آن تحلیل تبیینی نیز انجام و به پرسش‌های چرایی پاسخ داد. سند، در اینجا به نوشته حاوی داده‌ها یا اطلاعاتی درباره یک موضوع یا پدیده اطلاق می‌شود. در یک پژوهش با توجه به موضوع آن می‌توان در تمام مراحل آن از روش اسنادی استفاده کرد و یا ممکن است در بخشی از تحقیق به عنوان مکمل بهره‌گرفت (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۹-۷۰). روش اسنادی در این

1. Jeffrey Halverson

پژوهش از نوع اول است. برای پیاده‌سازی این روش، پس از انتخاب موضوع، اهداف و سؤالات تعیین شد. با توجه به اینکه این روش، قابلیت پاسخگویی به هر سه سؤال چیستی، چرایی و چگونگی را دارد، بنابراین، سؤال از چرایی در این تحقیق از نوع تبیینی و تفسیری است. در مرحله بعد چارچوب نظری انتخاب و در گام سوم اجرای روش اسنادی منابع، تعیین و ارزیابی شد. گام چهارم، گردآوری داده‌ها و تحلیل محتوای آنها است و در آخر پردازش داده‌ها و نتیجه‌گیری بر مبنای چارچوب نظری انجام شد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مرور بر مفاهیم

جهت فهم داده‌ها و دستیابی به نتیجه دقیق از عنوان مقاله، لازم است اصطلاح «روایت»، «شیعه» و واژگان مرتبط تعریف شوند.

الف) روایت^۱ و پادروایت^۲: روایت، در لغت به معنای حمل است؛ چنان‌که گفته می‌شود: «رَوَى التَّبَعِيُّ الْمَاءَ»؛ شتر آب را حمل کرد (فیومی، [بی‌تا]، ج ۲: ۲۴۶)؛ اما روایت در اصطلاح، معانی متفاوت دارد و در حوزه‌های مختلف به کار برده شده است. در اصطلاح علم حدیث، مترادف با معنای حدیث است و همان حوزه معنایی حدیث درباره روایت نیز جاری است؛ هرچند که اصطلاح روایت کاربرد کمتری نسبت به حدیث دارد و به حدیث از آن جهت روایت گفته شده است که گفتار، فعل یا تقریر معصوم^ﷺ را نقل یا حمل می‌کند. راوی حدیث نیز در حقیقت حامل حدیث است (نصیری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰). در این مقاله، روایت به معنای حدیث مورد نظر نیست. روایت، بازنمایی یک پدیده یا واقعه است. اگرچه برخی معتقدند روایت دربرگیرنده گوهر واقعه و داستان است نه بازگوینده ساده آن (معینی علمداری، ۱۳۸۲: ۲)، اما بین داستان و روایت تفاوت است. داستان، آن چیزی است که گفته می‌شود و روایت، نحوه گفتن آن است. بنابراین، مبنای روایتگری نحوه نقل داستان و روایت یک ماجراست که به شکل مکتوب یا شفاهی یا تصویر ارائه می‌شود. روایت، اساساً

1. narrative

2. Counter-Narrative

ویژگی‌ای ادبی است، بنابراین، ساده‌ترین تعریف روایت عبارت است از عمل زبانی. پس، زندگی‌نامه‌ها، داستان‌ها، ژانرها و سایر اعمال زبانی، هم در محتوای روایی و هم در گفتمان‌شان، معنا را انتقال می‌دهند (صفینی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). با این وصف، روایت قالب یا شیوه‌ی بازنمایی رمان و داستانی است که در آن راوی تلاش می‌کند معنا و تصویری را از یک حادثه یا موضوع ارائه دهد تا مخاطب تحت تأثیر آن قرار گیرد. از این نظر، روایت معنای حوادث را تعیین و تبیین می‌کند (Steele, 2008: 2). در هر صورت روایت‌ها با تولید معنا شرایط اقدام را فراهم می‌کند. منظور از روایت در این پژوهش معنا دهی و ارائه تصویری از واقعه کربلا است که دارای هویت ظلم‌ستیزی، سازش‌ناپذیری، عزت‌خواهی و عزت‌گستری است که محصول آن تشیع انقلابی و هدف اصلی آن تحقق و گسترش اسلام ناب از طریق تشکیل حکومت اسلامی است.

در مقابل روایت، پادروایت است. پادروایت می‌تواند روایت رقیب یا اقدام‌کننده علیه روایت موجود و مستقر باشد (حشمتی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۸). پادروایت‌ها داستان‌های رقیب هستند که می‌تواند مثبت و مفید یا منفی و مخرب و تشویش‌آفرین باشند. بنا به تعریف هالورسون روایت اصطلاحاً «به یک سیستم منسجم از داستان‌های سازماندهی شده مرتبط و پی‌در پی که خواسته معمول لفظی را برای رفع یک تضاد، با به‌کارگیری توقعات مخاطب، بر طبق خط سیر شناخته شده‌ای از فرم ادبی و لفظی آن به‌کار می‌گیرد» گفته می‌شود. وقتی ظنین صدای یک روایت پس از گذشت سال‌ها، به صورت فراتاریخی و عمیق در فرهنگی خاص جا می‌گیرد، به آن «فرا روایت^۱» گویند. داستان کربلا یکی از همین فرا روایت‌ها است (Halverson, 2010: 10). روایت‌ها و پادروایت‌ها به شکل‌های مختلفی در اجتماع و مناسبات سیاسی و فرهنگی وجود دارد. این پژوهش توجه به روایت‌ها و پادروایت‌های مذهبی دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تهدید کیستی و هویتی باشد.

ب) شیعه: شیعه در لغت به دو معنا است؛ یکی توافق و هماهنگی دو یا چند نفر بر مطلبی و دیگری پیروی کردن فردی یا گروهی از فرد یا گروهی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق:

۱۸۸). چنان‌که فیروزآبادی درباره معنای دوم می‌نویسد: «شیعهٔ مرد، پیروان و یاران او هستند.» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۶۱) چنان‌که گفته می‌شود: «قوم هر مردی شیعه و عشیره او هستند» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۳۲). آنچه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مفهوم شیعه آورده است موافق معنای دوم است. چنان‌که می‌فرماید: «کل من وافق غیره فی طریقه فیه من شیعه (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷: ۱۴۷)؛ هر کسی پیرو غیر خود باشد، و دنبال او به راه بیفتد چنین کسی شیعه او است». معنای اصطلاحی شیعه نیز موافق معنای لغوی دوم است. بر این اساس، شیعه در اصطلاح عبارت است از کسانی که بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) به امامت بلافصل امام علی علیه السلام و یازده فرزند او باور دارند و از آنها پیروی می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۵ و شهرستانی، [بی‌تا]، ج ۱: ۱۴۶). باور به امامت بلافصل امام علی علیه السلام به این دلیل است که امام علی علیه السلام نسبت به دیگر صحابه برتری داشته (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۴۳۲) و پیامبر صلی الله علیه و آله وی را با نص صریح به عنوان جانشین و سرپرست برگزیده است (حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳: ۲۰۹). چنان‌که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاةِ اللَّهِ وَالْمَنْ وَالَاةِ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۷۵۸)؛ هرکس من سرپرست او هستم پس علی نیز سرپرست او است. بار خدایا! با دوست علی دوست باش و با دشمن او دشمن.»

۲-۲. پیشینه

در رابطه با عنوان «بازشناسی و تحلیل برآیند روایت و پادروایت درون مذهبی شیعی از کربلا» هیچ پژوهشی انجام نشده است. البته به صورت پراکنده و مروری تحقیقاتی انجام شده که از جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد: کتاب مرجعیت موروثی تشیع انگلیسی از واقعیت تا توهم، نوشته صالح قاسمی، تهران، سلمان پاک، ۱۳۹۴؛ کتاب تشیع انگلیسی، نوشته عباس بنشاسته، تهران، مرکز توزیع پیام دیدار، ۱۳۹۴؛ کتاب جنگ روایت‌ها (در گفتمان رسانه‌های رقیب)، نوشته اردشیر زابلی‌زاده، تهران، سروش، ۱۳۹۳؛ مقاله علمی پژوهشی «شیعه انگلیسی» از ملیحه عقابیان و سیده فاطمه طباطبایی، در مجله قدرت نرم، شماره ۱۶، سال ۱۳۹۶؛ ص ۲۰-۴۰؛ مقاله علمی پژوهشی «هویت، روایت، جنگ» از

فرانک جمشیدی، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۳، ۱۳۸۴، ص ۱-۲۴؛ مقاله «جنگ روایت‌ها»، از عبدالصالح شمس‌اللهی، پاسدار اسلام، شماره ۴۳۷ و ۴۳۸، سال ۱۳۹۷، ص ۲۸-۲۹؛ مقاله «یک ضد روایت برای حکومت ایران».

در هریک از این منابع به گوشه‌ای از جنبه‌های برخی شیعیان متأثر از «پادروایت» اشاره شده که نویسنده این مقاله از آنها استفاده کرده است. اما هیچ یک از آنها به غیر از مقاله اخیر با هدف این مقاله همخوانی ندارند؛ زیرا تحقیق پیش‌رو در تلاش است به «بازشناسی و تحلیل براین روایت و پادروایت درون مذهبی شیعی از کربلا» پردازد. در صورتی که پژوهش‌های پیشین دارای چنین خصوصیتی نیستند و فقط مقاله هالورسون توانسته بحث «پادروایت» را به عنوان یک راهبرد علیه جمهوری اسلامی مطرح کند که مقاله پیش‌رو در صدد است نسبت به آن روشنگری کند.

۲-۳. چارچوب نظری

اگرچه روایت به نوعی با تاریخ بشر گره خورده است، اما نظریه پردازی در زمینه روایت و ضد روایت ابتدا در حوزه ادبیات و زبان‌شناسی انجام شد. از نظر زبان‌شناسان روایت‌ها همه جا هستند (Toolan, 2001: 8) و می‌توانند تولید معنا و واقعیت کنند. با این حال، نظریه روایت و پادروایت در علوم اجتماعی، سیاسی و ارتباطات نیز تعمیم یافت. امروزه این نظریه شاخه‌ای از جنگ شناختی^۲ است که به آن جنگ روایت‌ها گفته می‌شود. در جنگ روایت‌ها بازیگران جنگ نرم تلاش می‌کنند با ابزارهای ارتباطی روایت و داستان حریف درباره رویدادها، روندها، اقدامات، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و اسطوره‌ها را مخدوش و بی‌اعتبار کنند و در مقابل روایت‌های خود را جایگزین نمایند (باقری چوکامی، ۱۳۹۵: ۳۶۵). در جنگ روایت‌ها کسی موفق است که روایت خود را از اتفاقات، عملکردها و ارزش‌ها در افکار عمومی بگنجانند. به بیان متخصص مؤسسه رَند، سیاست در عصر اطلاعات از آن کسی است که داستانش پیروز شود (نای، ۱۳۸۷: ۱۹۳)؛ یعنی قدرت یا جریانی در عرصه

1. A Counter-Narrative for Iranian Tyranny

2. Cognitive warfare

فکری و ذهنی پیروز است که بتواند روایت بسازد، کنترل روایت را به دست بگیرد و روایت خود را تثبیت کند. کسی که روایت اول چه از ایدئولوژی، چه از اتفاقات جاری، را ارائه می‌دهد و سپس آن را تثبیت می‌کند در واقع افکار را تصاحب کرده و می‌تواند سیاست‌های خود را بر آنها تحمیل کند. البته جنگ روایت‌ها بعضی وقت‌ها به جای تولید اولین روایت از رویدادی، به خلق ضدروایت در برابر روایت حاکم و برای شکستن روایت‌های کلیدی در یک نظام سیاسی و فرهنگی به کار برده می‌شود (باقری چوکامی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

با وجود این، قدرت نفوذ روایت محور به قدری است که از پیروزی‌ها شکست و از شکست‌ها پیروزی می‌سازد. به همین دلیل، جان آرکیولا و دیوید رونفلد^۱ در کتاب شبکه‌ها و جنگ‌های شبکه‌ای^۲ دکرترین داستان چه کسی پیروز می‌شود را یکی از جنبه‌های حیاتی جنگ شبکه‌ها در همه شکل‌های آن می‌دانند (Arquilla&Ronfeldt, 2001: 328). اهمیت پادروایت‌ها این است که ساخته یا برجسته می‌شوند تا روایت غالب را به چالش بکشند. به تعبیر هالورسون، همیشه روایت‌های حاشیه‌ای تری هم وجود دارند که پادروایت نامیده می‌شوند و با روایت‌های غالب درمی‌افتند و آن را می‌توان تحت عنوان تغییر استراتژی مجموعه‌ای از رویدادها، با استفاده از یک داستان یا روایت متضاد یا مختلف معنا کرد (Halverson, 2010: 2).

اقدامات اساسی که بازیگران ضد روایت برای غلبه بر روایت رقیب انجام می‌دهند عبارتند از: اول) ادعاهای داستان اولیه و اصلی را با واژگون جلوه دادن و از نو طرح ریزی کردن قیاس‌ها و تشابهات منتشر کند و نفوذ دهد. دوم) در مورد حقانیت آن شک ایجاد کند. سوم) آنها را با یک روایت و داستان از واقعه‌ای بزرگ‌تر جایگزین نماید (Halverson, 2010: 2) چهارم) نوعی غیریت‌سازی در برابر روایت مستقر انجام می‌شود؛ یعنی معنایی را در پادروایت برجسته سازی می‌کند تا دیگر معانی را به حاشیه براند. پنجم) روایتگر ضمن تلاش برای ساخت معنا، روایت ساخته شده را باید کنترل و تثبیت نماید.

1. John Arquilla and David Ronfeldt

2. Networks and Netwars

۳. روایتگری از واقعه کربلا

الف) روایت انقلاب اسلامی از کربلا و فرهنگ عاشورا

نهضت اسلامی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد محصول عاشورایی دیدن شرایط و عاشورایی عمل کردن در برابر استبداد بود. آغاز این حرکت الهام گرفته از نهضت امام حسین علیه السلام و روایت ضد نظام سلطه و استقرار نظام عادلانه اسلامی بوده است. امام خمینی علیه السلام همواره تأکید می‌کردند که «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن بوده است» (موسوی خمینی، ج ۱۷: ۴۸۱-۴۸۳). امام خمینی علیه السلام در قالب روایت کربلا، معاویه و یزد را با رضاخان و پسرش انطباق سازی می‌کرد و گفت همین جا هم کربلاست باید نقش کربلا را پیاده کنیم (همان، ج ۸: ۳۷۴-۳۷۵) و اگر حسینی هستید باید علیه یزید زمان قیام کرد. یکی دیگر از فرازهای امام علیه السلام در آن زمان این بود که سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای جلوگیری از برقراری آن قیام نمود و شهید شد (همان، ۱۳۷۲: ۱۷).

بنابراین می‌توان گفت که روایت انقلابی از عاشورا در نزد معمار انقلاب اسلامی هم عامل ایجاد انقلاب و هم می‌تواند عامل بقای آن باشد. چنان‌که امام علیه السلام فرمود: «عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا به کشور شما آسیب نخواهد رسید (همان، ج ۱۱: ۹۹-۱۰۰). رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند همان‌گونه که در ابتدای انقلاب، محرم به کمک این مردم آمد و امام خمینی علیه السلام فرمود خون بر شمشیر پیروز است، در قضایای ۹ دی هم، عاشورا به کمک ملت آمد و حماسه بزرگ و ماندگاری را خلق کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۹/۲۱).

در هر صورت روایت امام علیه السلام از عاشورا که فلسفه انقلاب اسلامی را شکل داد، جهت آن همواره رهایی از حاکمیت حاکمان مستبد جهان است و با ظلم در هر نقطه جهان که باشد در ستیز است. با همین نگرش در مقابل استکبار و رژیم اشغالگر قدس ایستادگی کرد.

ب) ضدروایت‌ها در برابر روایت انقلاب اسلامی از کربلا

ضد روایت‌ها علیه روایت اصیل از کربلا از همان ابتدا شکل گرفت و توسعه یافت. در این

راستا، بازیگران زور و زر و تزویر و دشمنان اسلام ناب به دلیل تأثیرگذاری حماسه کربلا بر حرکت‌های عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی، انواع روایت‌های تحریف‌شده را خلق کرده‌اند تا با مسخ فرهنگ عاشورا، این ظرفیت عظیم را از شیعیان بستانند. تحریف لفظی و معنوی، دو شکل پادروایت‌ها در گذشته بوده است. شهید مطهری، تحریف معنوی را بسیار خطرناک معرفی کرده است، زیرا تحریف معنوی اهداف بلند عاشورا و قیام مقدس امام حسین علیه السلام را دستخوش دگرگونی قرار می‌دهد و معنای مغایر و متفاوتی از حقیقت این قیام معرفی و روایتگری می‌کند (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۰۹-۱۱۰). در هر صورت، پس از استقرار انقلاب اسلامی، انواع پادروایت‌ها در برابر آن طراحی شده است. یکی از مهم‌ترین آنها روایتگری از عاشورا برای مشروعیت‌زدایی از نظام اسلامی است.

یکی از این پادروایت‌ها، روایت خشونت‌طلبی از واقعه کربلا در برابر روایت جهاد در راه خدا، شجاعت و غیرت دینی، شهیدانه زیستن و شهادت‌طلبی است. در سال‌های ۱۳۷۶ به بعد این نوع روایت رو به افزایش گذاشت. روزنامه صبح امروز در سال ۱۳۷۸ نوشت: «نزدیک‌ترین مفهوم به کلمه عاشورا در ذهن ما شهادت است و... جامعه ما هنگامی که در میانه خشونت و جنگ گرفتار آمده، بی‌شک نگاهی خشونت‌آمیز به این واقعه روا می‌دارد» عبدالکریم سروش نوشت فرهنگ شهادت، خشونت‌آفرین است. اگر کشته شدن آسان شد، کشتن هم آسان می‌شود (روزنامه نشاط ۱۲/۳/۱۳۷۸). مجید محمدی در مقاله‌ای، فرهنگ عاشورا در روایت آیینی، انقلابی و اقتدارگرا را نقد کرده و ضمن ارائه پادروایت قدرت‌طلبانه و خشونت‌آمیز از واقعه عاشورا نتیجه می‌گیرد که از این روایت‌ها نمی‌توان درس عشق، مهربانی و زندگی گرفت (محمدی، 2020/7/8).

یکی دیگر از ضدروایت‌ها، برعکس ضدروایت بالا قرائت رحمانی صرف از واقعه کربلا است. در این زمینه گفته‌اند که «تأکید بر جنبه عاطفی عاشورا کافی است و انقلاب حسین دیگر در معرض فراموشی نیست، از این پس باید جنبه عقلایی آن پرداخت» (روزنامه صبح امروز، ۱۳۷۸/۲/۱۸). یا گفته شد که «تفکر فقهی نمی‌تواند فرهنگ عاشورا را بازسازی کند، عرفان است که فرهنگ عاشورایی می‌سازد» (روزنامه ایران، ۱۳۷۸/۱/۳۱). بنابراین، طرح بحث‌هایی مانند امام حسین علیه السلام به دنبال مذاکره و صلح با عمر سعد و خشونت‌پرهیزی بود

(روزنامه شرق، ۱۳۹۹/۶/۳)، شکل دیگری از روایت‌های تحریفی در برابر روایت اصیل انقلابی است.

یکی دیگر از ضدروایت‌ها، روایت سکولاری از حرکت امام حسین علیه السلام است. به عنوان نمونه شعله سعدی گفت که «امام حسین علیه السلام اصلاً قصد انقلاب نداشته است و داشت از جایی که جانش را تهدید می‌کردند دور می‌شد اما به او اجازه ندادند و او نیز تسلیم نشد!» (وبگاه گلستان ما، ۱۳۹۴/۵/۲۹). رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۲ به روایت سکولاری از عاشورا متعرض شده و فرمودند: «هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی، اسلام مجاهد، اسلام مقاتله، اسلام خون دادن و اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۸/۲۰).

علاوه بر پادروایت‌های مزبور، ایده جفری هالورسون نظریه پرداز دانشگاه آریزونا، آمریکا است که پس از فتنه ۱۳۸۸ مطرح شد. او ایده خود را این‌گونه مطرح می‌کند که باید برای مقابله و مشروعیت‌زدایی از نظام اسلامی ایران، از ماجرای کربلا به نفع خویش استفاده کرد. وی مدعی می‌شود که راه مؤثر برای سلب مشروعیت بیشتر رژیم ایران در بین حامیان باقیمانده‌اش در سطح ایران و جهان، به خصوص در بین گروه‌های شیعی، استفاده از ابزار مبارزه نرم برای ایجاد برخی تغییرات است. وی پادروایت را یکی از ابزارهای مبارزه نرم معرفی می‌کند و با طرح این حقیقت که انقلاب اسلامی، شامل یکسری روایات مشروعیت بخش، به ویژه داستان قدرتمند و غنی «کربلا» است، نتیجه می‌گیرد که با ارائه پادروایت می‌توان از نظام اسلامی ایران مشروعیت‌زدایی کرد. وی تأکید می‌کند که یک پادروایت مؤثر باید در تاریخ فرهنگی این منطقه ریشه دار شود؛ ولی نه به صورت آشکارا، بلکه به‌طور مختصر (Halverson, 2010:11). جوهره ایده هالورسون جابه‌جایی نماد امام حسین علیه السلام و یزدان در برابر روایت انقلاب اسلامی از کربلا است.

ایده هالورسون برخلاف ایده‌های قبلی که حاملان ضدروایت را بخشی از جریان روشنفکری تشکیل می‌داد، معتقد است که جریان‌های مذهبی زاویه دار بهترین حاملان ضدروایت خواهند بود. هالورسون «جریان شیرازی‌ها» را به عنوان آشکارترین و بهترین

کاراکتر^۱ برای ایفا کردن نقش طرفداران امام حسین علیه السلام و مقابله با یزید ساختگی، یعنی نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کند. همچنین در این نگرش برای اثبات مناسب بودن این نقش برای جریان «شیرازی‌ها»، دلیل‌های متعددی وجود دارد؛ از جمله آنها سید بودن رهبر این جریان، اهل کربلا بودن اکثر طرفداران این طیف، منتقد بودن آنها نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران و مانند آن، بهترین دستاویزی هستند که ایفای نقش لشکر اولیا را در این سناریو برای این جریان مناسب جلوه می‌دهد (Halverson, 2010: 2). او توصیه می‌کند که جریان شیرازی‌ها می‌تواند نقش وارسته امام حسین را در این مبارزه علیه رژیم ایران اشغال کند. از خصوصیات تشیع انگلیسی که مورد توجه بازی‌گردانان پادروایت است روایت سکولاری از اسلام، مخالفت آشکار با انقلاب اسلامی و اهانت به بنیانگذار و رهبری معظم انقلاب، رفتارهای موهن به نام محبان امام حسین مانند ترویج قمه‌زنی و سب و لعن اهل سنت و مقدسات آنان و تأکید بر برائت است.

۴. عوامل نگرش به برابند «پادروایت» از کربلا

یکی از پرسش‌های اساسی که در بحث بازشناسی و تحلیل برابند روایت و پادروایت درون مذهبی شیعی از کربلا مطرح می‌شود این است که چه عواملی باعث نگرش به برابند پادروایت از کربلا می‌شود؟

۴-۱. عوامل معرفتی

منظور از «عوامل معرفتی» زمینه‌های ذهنی و شناختی از واقعه کربلا در میان جریان‌ها و شیعیان است که بسترهای پادروایت را فراهم ساخته و طمع قدرت‌های معارض با جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌برداری از آنها را بر می‌انگیزاند. اهمیت عوامل معرفتی در بسترسازی پادروایت‌ها این است که در همه مصادیق پادروایت نقش دارند. در اینجا تلاش می‌شود به نمونه‌هایی از آنها در رابطه با جریان شیرازی‌ها اشاره شود.

الف) تمسک به روایات ضعیف: یکی از منابع مهم معرفتی تشیع در استنباط احکام شرعی، فهم روابط اخلاقی، اجتماعی و مانند آن، روایات و اخباری هستند که از

1. character

معصومان علیهم‌السلام صادر شدند و اخبار نیز حکایت از سنت معصومان علیهم‌السلام می‌کنند. بنابراین، در دستیابی به سنت معصوم علیه‌السلام دو روش قطعی و غیرقطعی وجود دارد. قطعی آن است که از طریق خبر متواتر باشد و یا از طریق خبر غیرمتواتری که قراین قطعی بر صدور آن از معصوم علیه‌السلام وجود داشته باشد. مانند اجماع و بنای عقلائی کاشف از قول معصوم علیه‌السلام. غیرقطعی آن است که از راه‌های گوناگون بخواهند به سنت دست یابند که نتیجه آن جز ظن و گمان نخواهد بود. مشکل معرفتی جریان برابند «پادروایت» آن است که در دستیابی به سنت معصوم علیه‌السلام دقت عمل ندارند و نسبت به همه روایات حتی غیرقطعی تعصب دارند. به عنوان مثال این جریان روز نهم ربیع الاول که مصادف با مرگ خلیفه دوم است را جشن می‌گیرد و آن را مستند به حدیثی از امام علی علیه‌السلام می‌کند که هم از نظر سندی و هم دلالی ضعف دارد و آن عبارت است از اینکه: «هَذَا يَوْمُ الْاِسْتِرَاحَةِ... وَ يَوْمُ الْعُدَيْرِ الثَّانِي... وَ يَوْمُ رَفْعِ الْقَلَمِ... وَ يَوْمُ عِيدِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ، وَ يَوْمٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱: ۱۲۷)؛ [نهم ربیع الاول] روز استراحت... و روز غدیر دوم.. و روزی است که موکلان، گناه انسان را نمی‌نویسند... و بزرگ‌ترین عید خدا است و روزی است که دعا مستجاب است.»

سطحی نگری استدلال‌کنندگان به این روایت ضعیف بر شادی روز نهم ربیع از این جهت است که این روایت هم از نظر سند و هم از نظر محتوا مشکل دارد.

یک) مشکل سندی روایت: از آنجایی که این روایت در صدد بیان اهمیت بزرگ‌ترین عید شیعیان است و همچنین به این نکته مهم اشاره دارد که آن روز «رفع قلم» شده یعنی موکلان گناهان انسان را ثبت نمی‌کنند و مانند آن، لازم بود در منابع دست اول شیعه مانند آثار شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی و مانند آن ثبت می‌شد. اما چنین اتفاقی نیفتاده است، بلکه این حدیث خبر واحدی است که فقط در آثاری مانند المحتضر (حلی، ۱۴۱۴ق: ۹۳) و انوارالنعمانیه (جزایری، [بی‌تا]، ج ۱: ۱۰۸) آمده است. صرف نظر از این، نویسنده المحتضر این روایت را از «یحیی بن احمد بن جریح» و نویسنده انوارالنعمانیه آن را از «یحیی بن مُحَمَّد بن جَرِيح» نقل می‌کند و این اختلاف در مشخصات راوی، محل در سند روایت است.

دو) مشکل محتوایی روایت: واژه «رفع القلم» در این روایت مبین این است که به میمنت

نهم ربیع هیچ گناهی نوشته نمی شود و این دارای اشکالات فراوانی است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

۱) تعارض با قرآن: اینکه به دلیل روز نهم ربیع همه گناهان بخشیده شوند با بسیاری از آیات قرآن کریم در تعارض است. چنان‌که قرآن کریم در آیه ۱۶ از سوره طور می‌فرماید: «اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (طور: ۱۶)؛ در آن وارد شوید و بسوزید؛ می‌خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می‌شود.» یا در آیه دیگری می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (زلزال: ۷-۸)؛ پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.» با توجه با این آیات نمی‌توان گفت به مناسبت نهم ربیع، گناهان انسان دیده نمی‌شوند.

۲) تعارض با روایات قطعی الصدور: روایت «رَفَعَ الْقَلَمَ» با روایات قطعی الصدور از معصوم علیه السلام در تعارض است؛ زیرا روایات قطعی از امامان معصوم علیهم السلام وجود دارند که بر لزوم پرهیز از گناه در هر شرایطی دلالت دارند. چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تَنْتَلُ وَلَا تُتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۲۶)؛ به ولایت ما جز با عمل نیک و پرهیزکاری و دوری از گناه نتوان رسید.» با توجه به این روایت قطعی چگونه به خبر «رَفَعَ الْقَلَمَ» ظنی می‌توان اعتماد کرد؟

۳) نهی از عمل به روایات ضعیف و مجهول: نکته دیگر اینکه اخبار معتبر فراوانی از معصومان علیهم السلام وجود دارند که همگان را از عمل به روایات ضعیف و مجهول باز می‌دارند که در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

۱. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به مردم فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۹)؛ ای مردم اگر خبری از ما برای شما آمد، که موافق کتاب خدا بود، آن را من گفتم و اگر موافق کتاب خدا نبود، من نگفتم.»

۲. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ (جیلانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۹۳)؛ هر حدیثی موافق قرآن نباشد باطل است.» از این دست

روایات فهمیده می‌شود که به هر روایتی بدون تحقیق و فهم دقیق نمی‌توان عمل کرد و فتوا داد. چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا تَفْقَهُ فِيهِ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج: ۱؛ ۵)؛ ای مردم! در دینی که تفقه در آن نباشد، خیری نیست».

بنابراین، برخی از شیعیان در عمل به روایات دقت ندارند و به اخبار ضعیف نیز استناد می‌کنند.

ب) **عقل‌گریزی:** یکی از منابع معرفتی احکام اسلام، عقل است. عقل در لغت به بازداشتن یا چیزی که معنای بازداشتن را برساند اطلاق می‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۴: ۶۹) از این رو، گفته می‌شود عقل، انسان را از زشتی‌ها باز می‌دارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۲). اما در اصطلاح عبارت از چیزی است که در مدرکات حسی، خیالی و وهمی انسان غور می‌کند و صحیح را از غیر صحیح آنها بازشناسی می‌کند (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۴) و یکی از منابع معرفت شرعیات تلقی می‌شود. منظور از منبع بودن عقل این است که عقل به طور قطع و یقین چیزی را درک کند و درباره آن داوری نماید. به عنوان مثال بر فرض، هیچ دلیلی در کتاب و سنت قطعی برای حرام بودن ظلم، خیانت، دروغ، قتل نفس و مانند آن وجود نداشته باشد، به وسیله دلیل عقل می‌توان این امور را تحریم کرد. با این اوصاف، جریان منتسب به «پادروایت» از منبع عقل بهره برداری لازم را نمی‌کند و به جای تعقل و تدبیر، به روایات ضعیف عمل می‌کنند. چنان‌که در بحث «تمسک به روایات ضعیف» به آن پرداخته شد. این جریان، بدون تعقل و به کارگیری عقل، به روایت معروف به «رَفْعِ الْقَلَمِ» که هم ضعف سندی دارد و هم ضعف محتوایی، عمل نموده و طبق آن جشن در روز نهم ربیع الاول را مستحب می‌داند.

ج) **فهم نادرست از شعائر اسلامی:** شعائر به معنای علامت و نشانه عبادت خداست که برای انسان‌ها قرار داده شده است که نمونه بارزش را در اعمال حج می‌توان مشاهده کرد (زهري، ۱۴۲۱ق، ج: ۱؛ ۲۶۶). البته شعائر، منحصر در اسامی اعمال حج مانند صفا، مروه و مانند آن نیست، بلکه می‌تواند هر عملی را که عبادت خدا در آن باشد شامل شود (زویددی، ۱۴۱۴ق، ج: ۷؛ ۳۳). از این رو، می‌توان گفت شعائر به هر علامتی اطلاق می‌گردد که خداپرستی از آن استنتاج شود. خواه مکان خاص باشد مانند صفا و مروه در حج، زمان

خاص باشد مانند روز عید غدیر و روز عاشورا یا اعمال و رفتار خاص باشد مانند نماز، روزه، عزاداری امام حسین علیه السلام و مانند آن. هر یک از موارد یادشده نشانه و علامت عبادت خدا محسوب می‌شوند و گرامی داشت هر یک از آنها موجب رضای خدا می‌شود. خداوند در قرآن کریم نیز بر بزرگداشت شعائر الهی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج: ۳۲)؛ و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل‌هاست». اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، فهم و معرفت درست اعمال و رفتاری است که در هر یک از مظاهر و مصادیق شعائر الهی انجام می‌شود. با توجه به رفتار و اعمال جریان منتسب به «پادروایت» فهمیده می‌شود که اعمال و رفتارشان از حیث شعائر الهی بودن، نه جامع افراد است و نه مانع اغیار؛ جامع نبودن بدین معنا که آنها برخی از مناسبت‌ها که مورد رضای الهی است را جزو شعائر نمی‌دانند و به آن توجه ندارند. مانند گرامی داشت وحدت بین مسلمانان، گرامی داشت ایامی که رژیم فاسدی برکنده و حکومت اسلامی شکل گرفت، تقویت جبهه مقاومت اسلامی در مقابل ظلم، اعلام مبارزه با دشمن اصلی اسلام و مانند آن. مانع نبودن بدین معنا که آنها برخی از اعمال و رفتار را که جزو شعائر نیستند، جزو شعائر تلقی می‌کنند. مانند وارد کردن قمه زنی یا روی آتش رد شدن در عزای امام حسین علیه السلام، دشنام دادن نسبت به مقدسات اهل سنت و مانند آن. بنابراین، جریان مذکور یک تعریف خود ساخته از شعائر ارائه می‌دهد و هر چیزی که هر کسی در گوشه‌ای از عالم توهم کند که این کار جزو شعائر حسینی است، صرف توهمش، آن را از شعائر می‌دانند و انجام می‌دهند.

۴-۲. عوامل سیاسی

اگرچه جریان شیعی منتسب به «پادروایت» با اغراض دینی و اسلامی فعالیت می‌کند و ضعف معرفتی از ویژگی‌های روشن آن است، اما دشمنان اسلام به خصوص دشمنان نظام جمهوری اسلامی از فرصت ضعف معرفتی این جریان استفاده کردند و آن را در مقابل نظام جمهوری اسلامی علم کردند. بنابراین، می‌توان گفت یکی از عوامل بسیار مهم که ماهیت ایجاد و ابقایی دارد، عامل سیاسی است که توسط تئوری پردازان راهبردی کشورهای

سلطه‌گر سیاسی انجام می‌شود. در میان کشورهای سلطه‌گر، آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلیس مهم‌ترین عاملان و بازی‌گردانان پادروایت هستند که با توجه به زمینه‌های معرفتی جریاناتی مانند شیرازی‌ها جهت مقاصد سیاسی خود به آنها برای مقابله با جمهوری اسلامی متوسل شده‌اند. سابقه این بازی‌گردانان، مؤید نقش عامل سیاسی در بروز و ظهور پادروایت‌ها است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. نقش انگلیس و آمریکا در شکل‌دهی پادروایت‌های جریانی

ردیف	فرقه	سال	رهبر	حوزه فعالیت	مستندات
۱	فرقه احمدیه	قرن ۱۸	غلام احمدخان	شبه قاره (هند، پاکستان و بنگلادش)	غلام احمد. در کتاب تریاق القلوب می‌گوید: «من بیشتر عمر خود را در حمایت از دولت انگلیس گذرانده‌ام و در جلوگیری از جهاد و لزوم اطاعت (اولی الامر انگلیس) قلم زده‌ام.»
۲	باییه و بهائیت	سال ۱۹۴۷	علی محمد باب و حسین علی نوری	ایران، تاجیکستان، آذربایجان	شوقی افندی ربانی: «زمانی که بها از سوی ناصرالدین شاه در تبعید عراق به سر می‌برد، ژنرال کنسول انگلیسی در بغداد (کلنل سر آرنولد باروز کمبل) باب مراوده و مکاتبه را با بهاء گشود و طی نامه‌ای به او پیشنهاد داد که «تبعیت» دولت انگلیس را بپذیرد و در تحت «حمایت» آن دولت در آید و حضوراً نیز متعهد شد که هر گاه مایل به ارسال پیامی به ملکه ویکتوریا باشد، در مخایره آن به لندن اقدام خواهد کرد.» (افندی: ۱۲۵)

۳	وهابیت	سال ۵۳	محمدبن عبدالوهاب	عربستان	مستر همفر: «در سال ۱۱۴۳ ه.ق، پس از بازگشت محمد بن عبدالوهاب به نجد، بر اساس یک موافقت نامه سرّی بین انگلیس و محمد بن عبدالوهاب، اجرای عملی دعوت جدید آغاز می شود.»
۴	طالبان	سال ۱۹۹۴	ملا عمر	افغانستان پاکستان	دانا روبچر، از نمایندگان مجلس آمریکا، می‌گوید: «حمایت از طالبان همیشه جزء جدایی‌ناپذیر سیاست ایالات متحده بوده و هست.»
۵	القاعده	اواخر دهه ۱۹۷۰	عبدالله عزام بن لادن و ایمن الظواهری	جهان اسلام	زیگنیو برژینسکی: «طبق روایت رسمی تاریخ، کمک سیا به مجاهدین در سال ۱۹۸۰ آغاز شد؛ یعنی پس از حمله شوروی به افغانستان در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹.»
۶	داعش	۲۰۱۱	ابوبکر البغدادی	عراق و سوریه	هیلاری کلینتون: «من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تأسیس داعش، این گروه به رسمیت شناخته شود»

منبع: (باقری چوکامی، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷)

اکنون شواهد فراوانی وجود دارد که آمریکا و انگلیس از حامیان اصلی پادروایت‌های کربلا برای مشروعیت‌زدایی و مبارزه نرم با نظام اسلامی است. عنوان تشیع انگلیسی و حمایت‌های مالی و رسانه‌ای انگلیس از جریان شیرازی‌ها و جریان‌هایی از این دست بیانگر نفوذ انگلیس در این جریان‌ها و ترویج پادروایت‌های آنها در ایران و جوامع شیعه و سنی

است. پروژه‌های مؤسسه رند از جمله شبکه‌ها و جنگ شبکه‌ها و گزارش راهبردی این مؤسسه در خصوص نقشه ایالات متحده آمریکا برای ایجاد شبکه مسلمانان میانه رو، مصادیقی از حرکت به سوی جنگ‌های نرم دلیل مبرهن بر سرمایه گذاری ایالات متحده برای راه اندازی بازیگران پادروایت علیه روایت‌های مستقر است. گزارش راهبردی مؤسسه رند در واقع بخشی از نقشه کلان آنتی تز انقلاب است که در آن توصیه می‌کند «جنبش مسلمانان میانه رو و لیبرال برای اینکه پایگاهی بین توده مردم داشته باشند، نیازمند همکاری با روحانیون میانه رو به ویژه روحانیون جوان است که رهبران مذهبی آینده‌اند» (مؤسسه رند: ۲۴-۲۷). این عبارت آشکار می‌کند که روحانیان در این پروژه برای بازی گردانان آمریکایی به مثابه روایتگران پادروایت‌ها در برابر روایت جمهوری اسلامی بسیار با اهمیت است. ایالات متحده، مانند انگلیسی‌ها انگیزه قوی برای تولید پادروایت از کربلا علیه نظام اسلامی دارند. یکی از نشانه‌های آن موضع هالورسون است که می‌نویسد: «روحانیون ایران استفاده ویژه و سنگینی را از روایت کربلا به منظور بسیج احساسات انقلابی علیه شاه و کنترل دولت در سال ۱۹۷۹ کردند. از آن زمان، آنها روایت کربلا را علیه مخالفان رژیم خود، به خصوص در برابر قدرت‌های خارجی مانند ایالات متحده به‌کارگیری نموده‌اند». این بیان، حکایت از این واقعیت دارد که برای فرونشاندن روحیه ضد آمریکایی و استکباری باید به پادروایت کربلا متوسل شد. دلیل توسل به مبارزه نرم پادروایتی را این‌گونه مطرح کرده‌اند: «از آنجا که هر «تلاش نظامی» جهت ایجاد این تغییرات پر از ریسک و به شدت خطرناک خواهد بود، از این رو یک مبارزه نرم که از طریق ارتباطات استراتژیک حاصل می‌شود راه حل مناسب‌تری برای دستیابی به این مهم است» (Halverson, 2010:1).

براین اساس، ایده شکل دادن پادروایت توسط هالورسون بیشتر آشکار می‌شود. او معتقد است که «داستان کربلا به عنوان الگوی مبارزه نهایی بین خوب (حسین) و بد (خلیفه یزید) در جهان و آزادی در برابر استبداد و بی‌عدالتی شناخته شده»، بنابراین «کسی نمی‌تواند خارج از این درگیری دوطرفه وجود داشته باشد. از این رو، نقش حسین علیه السلام به منظور قرار دادن رژیم ایران در نقش یزید و دیگر خلفای مستبد و ستمگر که مطابق با روایات شیعه امامان مقدس را اذیت و آزار کردند و کشتند، باید پر شود» (Halverson, 2010:12). وی همچنین

معتقد است که «ایالات متحده آمریکا باید روابط فرهنگی با شیرازی‌ها را در داخل و خارج به خوبی انجام دهد» (Ibid, 2010: 23). همچنین «فعالان حوزه ارتباطات استراتژیک، باید توجه خود را به داستان کربلا معطوف کنند و راه‌هایی را برای به‌کارگیری آن علیه طرفداران استبدادی رژیم ایران به خصوص رهبر ایران (علی خامنه‌ای) کاوش نمایند.» با توجه به اینکه «پیروان امام شیرازی در حال حاضر توانایی خود را در استفاده از اینترنت و ابزارهای رسانه‌ای جدید، به منظور گسترش و انتشار تعالیم معلم محترم خود، نشان داده‌اند، این صداها می‌تواند از طریق ابزارهای رسانه‌ای جدید تقویت گردد و در متن داستان کربلا قرار گیرد.» از این رو، یکی از روش‌ها، می‌تواند استفاده از ویدئوی آنلاین به منظور به تصویر کشیدن چهره شیرازی و خامنه‌ای در نقش و جایگاه مورد نظر باشد. یکی دیگر از روش‌ها، ساخت مستندهایی به زبان فارسی، به منظور تکرار «ادعای ترور و مسمومیت شیرازی» است. «دوره زمانی ایده آل برای انتشار چنین پیام‌هایی، ماه محرم و منتهی به روز مقدس عاشورا است. این زمانی است که مسلمانان شیعه بیشتر به لحاظ عاطفی، معنوی و جسمی از روایت کربلا آگاه هستند. هرگونه تلاش برای از بین بردن انتشار این پیام، یا سرکوب حامیان شیرازی، تنها روایت کربلا را از اذیت و آزارهای سیاسی رژیم ایران و بازیگری آنها در نقش یزید ستمگر، که خشونت را به جای تقوا اجرا می‌کرد، تغذیه و تقویت می‌کند.» همچنین «پارلمان آمریکا نیز باید در انجام برخی فعالیت‌ها مخصوصاً در میان دانشجویان دانشگاه‌ها، محتوای کتاب‌ها، جزوات، فرستنده‌های رادیویی (مثل صدای آمریکا، رادیو آزاد آسیا)، تلویزیون (مثل الحوراء) یا برخی ابزارهای مبتنی بر وب مانند بلاگ‌ها سهولت سازی انجام دهد» (Ibid, 2010: 11).

۵. راهکارهای برون رفت از جریان منتسب به «پادروایت»

حال سؤال اساسی و جدی این است که در جنگ روایت‌ها چگونه باید عمل کرد تا پیروزی را به دنبال داشته باشد؟ در پاسخ به این سؤال بیان این نکته لازم است که باید تلاش شود تا هویت روایت رقیب یا همان پادروایت مشخص شود. اگر ماهیت روایت رقیب به درستی شناخته شد، مردم در سایه آن جمع نخواهند شد. از این رو، می‌توان گفت جهت برون رفت از

جریان منتسب به پادروایت یا جنگ روایت برخی از شیعیان، راهکارهایی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) معرفت افزایی نسبت به این جریان: یکی از راهکارهای مهم برون رفت از این جریان و نجات جامعه شیعی، معرفت‌افزایی نسبت به این جریان است؛ یعنی این جریان به درستی برای همگان، به خصوص نسل جوان معرفی شود. تا همگان بدانند چه دست‌هایی در پشت صحنه وجود دارند و این جریان را از نظر فکری، سیاسی، مالی و مانند آن پشتیبانی می‌کنند و کدام سرویس‌های اطلاعاتی جهت فرقه‌سازی درون مذهبی و شکاف میان امت اسلامی در حال برنامه ریزی هستند.

ب) معرفی چهره واقعی و جذاب تشیع در جهان: از جمله راهکارهای بسیار مهم برون رفت از جریان منتسب به «پادروایت» برخی از شیعیان، معرفی چهره زیبا و جذاب و صفات تشیع واقعی از قبیل: تواضع (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۵۰)، مدارا با مخالفان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۸۱)، ظلم ستیزی (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۲۱) و مانند آن است. بدین معنا که اگر تشیع واقعی که دارای جذابیت‌های فراوان است به درستی شناخته شود و همچنین دیدگاه‌های آن در رابطه با دیگر مذاهب و مانند آن به درستی برای همگان بیان گردد، مردم به تشیع بدلی گرایش پیدا نمی‌کنند و در نتیجه جریان «پادروایت» منزوی خواهد شد. در این زمینه می‌توان به متون دینی متقن شیعه مانند کتاب شریف نهج البلاغه و مانند آن، شریعت مستغنی و دستورالعمل‌های فراوانی که مانع تحیر و بن‌بست در مقام عمل می‌شوند و وجود الگوهای تربیتی متعالی مانند امامان معصوم علیهم‌السلام و اولیای الهی، اشاره کرد.

ج) معرفت افزایی نسبت به صلاحیت‌ها و جایگاه حقیقی مرجعیت: یکی دیگر از راهکارهای برون رفت از جریان منتسب به «پادروایت» و نجات شیعیان از گرفتاری دو قطبی شدن، معرفت‌افزایی نسبت به صلاحیت‌ها و جایگاه حقیقی مرجعیت است. فلسفه طرح این بحث آن است که جریان «پادروایت» بدون در نظر گرفتن رایج صلاحیت‌ها و جایگاه مرجعیت در حوزه‌های علمیه، از پیش خود به مرجع‌سازی می‌پردازد و آنگاه دیدگاه‌ها، اعمال و رفتار خود را مستند به فتوای مرجع مورد نظر خود می‌کند. این نوع تعیین مرجع، مخالف با روش رایج در حوزه‌های علمیه جهت تعیین مرجع است. بنابراین، شیوه

رایج در انتخاب مرجع به صورت موروثی نیست. به این معنا که مرجعیت از پدر به فرزند، یا برادر به برادر و یا هرکس دیگر به کس دیگر، ارث برده نمی شود و مرجعیت به شکل موروثی بر هیچ ادله ای استوار نیست. همچنین شیوه انتخاب مرجعیت به صورت انتخاب مردم - به این معنا که هرکس را خود مردم خواستند انتخاب کنند - نیز صحیح نیست. راز مردود بودن این دو شیوه آن است که در مرجعیت افزون بر شرایط عمومی مانند: مرد بودن، بالغ بودن، شیعه دوازده امامی بودن، حلال زاده بودن و عادل بودن (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۱) نیاز است که اعلم نیز باشد و در شیوه موروثی و انتخاب مردم ممکن است برخی از شرایط یاد شده به خصوص اعلمیت مورد خدشه قرار گیرند. در اهمیت اعلمیت مرجع تقلید همین بس که علما و فقها اتفاق دارند که اگر مجتهدی در برخی مسائل مانند: عبادات و مجتهد دیگری در معاملات اعلم باشد باید تبعیض در تقلید قائل شد و در هر باب به مجتهد اعلم مراجعه کرد. چنان که سید محمد کاظم یزدی می فرماید: «اذا كان مجتهدان احدهما اعلم في احكام العبادات والآخر اعلم في المعاملات فالاحوط تبعيض التقليد وكذا اذا كان احدهما اعلم في بعض العبادات والآخر في البعض الآخر (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج: ۱، ۱۱۶)؛ هرگاه یکی از دو مجتهد در احکام عبادات اعلم باشند و دیگری در معاملات، پس احتیاط تبعیض در تقلید است. همچنین است یکی اعلم در بعضی از عبادات باشد و دیگری در بعضی دیگر.» با این اوصاف، شیوه موروثی در تعیین مرجع و همچنین انتخاب آزاد از طرف مردم، شیوه صحیح و رایج در حوزه های علمیه نیست.

نتیجه گیری

نتایجی که از تحقیق «بازشناسی و تحلیل برابند روایت و پادروایت درون مذهبی شیعی از کربلا» به دست آمده است به شرح زیر است:

۱. بزرگ ترین عاملی که سبب شده است تا برخی از جریان های شیعی از جمله تشیع انگلیسی به وجود بیایند ضعف معرفتی است؛ زیرا ضعف معرفتی ضعف های دیگری همچون: ضعف سیاسی و مانند آن را در پی خواهد داشت. ضعف سیاسی این جریان از این حیث است که نتوانسته سیاست بازان پشت پرده را به درستی بشناسد تا در دام آنها گرفتار

نشود.

۲. تئوری پردازان پشت پرده برخی جریان‌های شیعی با طرح «پادروایت» کربلا در مقابل «روایت» کربلا از ضعف معرفتی برخی شیعیان استفاده کردند و موجبات دو قطبی شدن میان تشیع را فراهم نمودند.

۳. جریان منتسب به «پادروایت» با توجه به گستره وجودی دارای اهداف فراوان و متفاوتی است. اگر منطقه‌ای در نظر گرفته شود، با صرف نظر از ضربه‌ای که بر شیعه اصیل وارد می‌شود، بر ضعف جبهه مقاومت اسلامی می‌انجامد؛ زیرا ستون این جبهه را شیعه و سنی باهم تشکیل می‌دهند و آنها با این هدف به افراطی‌گری می‌پردازند.

۳. از آنجایی که یکی از محورهای اصلی فعالیت این جریان در جمهوری اسلامی ایران است، بزرگ‌ترین هدف آن تضعیف یا تغییر نظام جمهوری اسلامی است و این نتیجه‌ای است که دیدگاه‌های راهبردی دشمنان و همچنین رفتار اصحاب این جریان آن را نشان می‌دهد.

۴. راهکارهای پیشنهادی برای برون رفت از جریان منتسب به «پادروایت» برخی از شیعیان این است که اولاً نسبت به این جریان پژوهش لازم و کافی انجام شود تا همگان بر افکار و رفتار آنان شناخت پیدا کنند. ثانیاً تشیع حقیقی به درستی معرفی شود و نسبت به جذابیت‌ها و ویژگی‌های آن، معرفت‌افزایی شود. ثالثاً از آنجایی که این جریان به مرجع سازی می‌پردازد، لازم است نسبت به جایگاه و اهمیت مرجعیت و همچنین شرایط آن به نحو صحیح معرفت‌افزایی انجام شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ازدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷). کتاب الماء، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- امیری سوادکوهی، محمد (۱۳۹۵). خورشید از افق کربلا، قم، انتشارات سلسله.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۳). «ارزش ضد امنیتی جریان سازی افراط و تکفیر با تاکید بر

تئوری جنگ تمدن‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، س ۳، ش ۱۱، پاییز. باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۵). موج چهارم جگ نرم، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.

_____ (۱۳۹۹). چهره پنهان سیاست، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.

برقی، احمدبن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه. بنشاسته، عباس (۱۳۹۴). تشیع انگلیسی، تهران، پیام دیدار. جزایری، نعمه الله (بی تا). انوار النعمانیه، بیروت، دارالقاریه. جمشیدی، فرانک (۱۳۸۴). «هویت، روایت و جنگ»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۶، شماره ۳، ص ۱-۲۴.

جیلانی، محمدبن محمدبن مؤمن (۱۴۲۹ق). الذریعه الی حافظ الشریعه، قم، دارالحدیث.

الحبیب، یاسر، رجوع شود به سایت: <http://al-qatrah.net/fa/ns21>.

حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۲۵ق). اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، التابعه لوزاره الثقافه والارشاد الاسلامی.

حشمتی، امیر و دیگران (۱۳۹۸)، «تأثیر ناامنی هویتی ملی بر گسترش تئوتوریسم در خاورمیانه با تأکید بر کشور عراق»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هشتم، ش ۴، ص ۳۱-۶۰. حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۱۴ق). المحتضر، نجف، المكتبه الحیدریه.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۲/۲۲). بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنج، قابل دسترسی در: <http://www.hajj.com/fa/verdicts/item/1513-1392-04-25-07-17-16>

روزنامه ایران، ۱۳۷۸/۱/۳۱

روزنامه شرق، ۱۳۹۹/۶/۳

روزنامه صبح امروز، ۱۳۷۸/۲/۱۸

روزنامه نشاط، ۱۳۷۸/۳/۱۲

زابلی زاده، اردشیر (۱۳۹۳). جنگ روایت‌ها (در گفت‌وگو با رسانه‌های رقیب)، تهران، سروش.

زوبیدی، محمدبن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس، بیروت، دارالفکر.

زهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت.

شمس‌اللهی، عبدالصالح (۱۳۹۷). «جنگ روایت‌ها»، پاسدار اسلام، ش ۴۳۷-۴۳۸، ص ۲۸-۲۹.

شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (بی تا). الملل والنحل، [بی جا]، مؤسسه الحلّی.

صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان منش (۱۳۹۴). «مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ش ۲۹، بهار.

صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۷۶). الامالی، تهران، کتابچی.

صفیئی، کامبیز (۱۳۸۸). «کاربرد تحلیل ساختاری روایت: تحلیل روایی نمایشنامه بانوی سالخورده اثر فردریش دونمارت با تکیه به دیدگاه رولان بارت»، فصلنامه ادبیات تطبیقی، س ۳، ش ۱۱، پاییز.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹ق). العروه الوثقی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

عقابیان، ملیحه و سیده فاطمه طباطبایی (۱۳۹۶). «شیعه انگلیسی»، قدرت نرم، ش ۱۶، ص ۲۰-۴۰.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، هجرت.

فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه.

فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر، قم، منشورات دارالرضی.

قاسمی، صالح (۱۳۹۴). تشیع انگلیسی از واقعیت تا توهم، تهران، سلمان پاک.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول کافی، تهران، اسلامیه.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

محمدی، مجید، «فرهنگ عاشورا؛ در سه روایت آیینی، انقلابی، و اقتدارگرا»، دسترسی در:

www.independentpersian.com، 2020/7/8.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۷، تهران، انتشارات صدرا.

مظفر، محمدرضا (۱۳۷۹). المنطق، قم، دارالعلم.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۲). هویت تاریخ و روایت در ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق). النکت فی مقدمات الاصول من علم الکلام، قم، کنگره شیخ مفید.

مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق). اوائل المقالات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

_____ (۱۳۸۷). صحیفه امام علیه السلام، تهران، مؤسسه حفظ و تنظیم امام

خمینی

_____ (۱۳۹۲). توضیح المسائل، قم، نیلوفرانه.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس هلالی، قم، الهادی.

Arquilla, John and Ronfeldt, David (2001), Networks and Netwars The Future of Terror, Crime, and Militancy, RAND Corporation; Illustrated edition.

Halverson, Jeffry R. (2010). A Counter-Narrative for Iranian Tyranny, Consortium for Strategic Communication, Arizona State University, October 7.

Steel Brent J (2008), Ontological Security in International Relations: Selfidentity and the IR STAT, London: Routledge.

Toolan, M. (2001). Narrative: A Critical Linguistic Introduction. 2nd edn, London: Routledge.